

## ادامه از صفحه ۵

## سمیه عالمی - نویسنده

کتاب‌هایی که برای نوروز توصیه می‌کنم «هانی کرین»، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی» نوشته داریوش شایگان، «آینده فراانسانی ما» نوشته فرانسیس فوکویاما، «تمنا، آینده‌شناسی جامعه منتظر جهانی» اثر رضا مصطفوی، رمان «تشریف» اثر علی‌اصغر عزتی‌پاک و کتاب «سورسوری» به قلم محمدقائم خانی آثاری است که توصیه می‌کنم در نوروز بخوانند.



## احسان حسینی نسب - نویسنده

بهترین‌هایی که امسال (سال ۹۹) خواندم یکی اثری به قلم کاترین کوب با عنوان «مهمان انقلاب» با ترجمه رامین ناصر نصیر. دیگری نمایشنامه‌ای است اثر پیتر هانکه که مرحوم قاسم هاشمی‌نژاد آن را ترجمه کرده با عنوان «سواری روی دریاچه کنستانس» که نشر هرمس آن را منتشر کرده است.



## نیما اکبرخانی - نویسنده

اگر توقع دارید که همان داستان تکراری را خدمتان عرض کنم که «تعطیلات نوروز چه فرصت خوبی است برای مطالعه و کتاب خواندن و...» اشتباه آمده‌اید. فکر می‌کنم همه آدم‌های امروز بدانند چه کاری به نفعشان است و چه کاری نیست. «اول اینستا یا کتاب؟» خودتان می‌دانید، نمی‌دانید؟

خب مخبرید هر کدام را نگاه کنید! بعد دنبال هر کدام دوست داشتید راه بیفتید و طی طریق کنید. اگر «هری پاتر» نخوانده‌اید، به نظرم فرصت را از دست ندهید و یک نگاهی بکنید و اگر پایه‌تان قوی‌تر است و «ارباب حلقه‌ها» نخوانده‌اید، خب چه وقتی بهتر از حالا؟ اگر دوست دارید ایرانی بخوانید و حسایب سرخوش و کیفور بشوید، خدا حفظ کند هوشنگ مرادی‌کرمانی عزیز را، «قصه‌های مجید»، «مهمان مامان» و «مربای شیرین» را بخوانید تا با چشم‌هایی پر از اشک و لبخندی بر لب صفحات را ورق بزنید. اگر کمی جدی‌تر دوست دارید، بروید سراغ «پل معلق» محمدرضا بایرامی یا «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» احمد دهقان یا «عصرهای کریسکان» از کیانوش گلزار راغب.

اگر داستان‌خوان نیستید، سری به نشر اطراف بزنید و بین آن همه جستار روایی یک چیزی بردارید برای خواندن و اگر نمی‌دانید بروید سراغ «اگر حافظه یاری کند».

تاریخ دوست داشتید بروید کتاب «مائو داستان ناشناخته» را بخوانید تا حساب کار چین کمی دستتان بیاید و اگر اهل علمی-تخیلی هستید، سه گانه «بنیاد» ایزاک آسیموف به تازگی در کتابسرای تندیس درآمده، از دستش ندهید و اگر تا آنجا رفتید یک جلد «جنگ ابدی» هم برای خودتان بخرید.

دست آخر هم بهترین خواننده‌های خودم در این سالی که گذشت: «رفیق» از خورخه کاستادینا با ترجمه بیژن اشتیری، «امپراتوری پنبه» از اسون بکرت با ترجمه هاتف خالدی، «آیسمن در اورشلیم» از هانا آرنه - این را هم بگویم بترسید از آدم‌هایی که در عمرشان همین یک کتاب را خوانده‌اند - با ترجمه زهرا شمس، «مرد محروز»، «زوبین بیابان»، «بنیاد» و «جنگ ابدی» - با نویسنده‌ها و مترجمین مختلف - «آدمکش کور» از مارگارت اتوود با ترجمه شهین آسایش هم آخرین حرف من که بتواند این نوروز ۱۴۰۰ حسایب شما را با خودش ببرد. حالا که کرونا ست با این کتاب می‌توانید یک سفر بروید کانادا و برگردید.



## اعظم سعادت‌مند - شاعر

«سه‌شنبه‌ها با موری» کتابی است به قلم میچ آلبوم، میچ بعد از سال‌ها استاد دوران دانشگاه خود، موری شوارتز را می‌یابد در حالی که استاد به یک بیماری لاعلاج دچار است و می‌داند به زودی مرگش فرا خواهد رسید، آنها قرار می‌گذارند هر سه‌شنبه دیدار و گفت‌وگویی با هم داشته‌باشند و در این دیدارها درباره مسائل مختلف زندگی با یکدیگر صحبت می‌کنند. کتاب گزارشی از این دیدارهاست که به بسیاری از پرسش‌ها و دغدغه‌های ما درباره زندگی پاسخ می‌دهد. این بهترین کتابی بود که در این سال خواندم.

پیشنهاد من برای کتاب دوستان، در صورتی که به شعر علاقه‌مندند کتاب «عشق سالگی» اثر کبری موسوی قهفرخی است که انتشارات ایهام آن را در سال ۹۹ منتشر کرده‌است. کتاب شامل ۶۰ غزل با حال و هوای عاشقانه است، زبان روان و محکم، عاطفه سرشار و استفاده از المان‌هایی که نشان‌دهنده محل زندگی شاعر و فرهنگ استان چهارمحال و بختیاری است از ویژگی‌هایی است که خواندن این کتاب را جذاب‌تر می‌کند.



## تیمور آقامحمدی - نویسنده

اگر اهل تأملاتی در باب انسان ایرانی هستید سراغ رمان «تشریف» نوشته علی‌اصغر عزتی‌پاک بروید. نویسنده در این رمان کوشیده نسبتش را با اقلیم زیسته‌اش بازتعریف کند و چیزی روی میز مخاطب بگذارد که به تجارب سال‌ها به آن رسیده و رأی و نظر اوست. عزتی‌پاک با شجاعت راه تازه‌ای باز کرده، راهی که شاید به مذاق عده‌ای چندان خوش نیاید. رمان نوجوان «ادسون آرناتس دو ناسیمنتو و خرگوش هیمالیایی‌اش» نوشته جمشید خانیان را از آن جهت دوست دارم که در انبوه رمان‌های این گروه از مخاطبان، به فرم توجهی جدی داشته و دریچه‌ای نو به روی خواننده‌اش باز می‌کند. هرچه از مجید قیصری گیتان آمد بخوانید. او شبیه قالی ایرانی است، پر از جزئیات و شگفتی. مجموعه داستان «دستکش سفید» نوشته استیون میلهاوز یکی از بهترین‌هایی است که خوانده‌ام. این کتاب درجه یک، قابل توجه آنهاست که معتقدند داستان کوتاه صرفاً آبی است که ارنست همینگوی می‌نوشت! باور کنید داستان کوتاه شکل‌های دیگر و تازه‌تری هم دارد. رویکرد نویسنده، کلاس بزرگ داستان‌نویسی برای همه است. چهره تعدادی از نوجوان‌های امروزی را در رمان «آسفالتی‌ها» اثر تاد استراسر ببینید. داستانی حساب شده از زندگی عیان آدم‌های رانده‌شده؛ جزئیات، شیوه ارائه اطلاعات داستانی و خونسردی نویسنده در خور تأمل است. رمان‌های «رگتایم» نوشته ای.ال. دکتروف، «خدا حافظ گاری کوپر» اثر رومن گاری و «آمریکایی آرام» از گراهام گرین، انتخاب‌های قرن بیستمی من‌اند؛ شاهکارهایی که همیشه باید دم دستم باشد تا از آنها نیرو بگیرم برای نوشتن؛ رمان‌هایی رشک‌برانگیز برای هر نویسنده‌ای.

امسال برای دومین بار سراغ «برادران کارامازوف» اثر فئودور داستایفسکی رفتم و باز هم نفسم بند آمد از اعجاب و قدرت داستان. چند جا دیگر نتوانستم ادامه بدهم، کتاب را بستم و رفتم اینستاگرام و استوری کردم: «اگر داستایفسکی نویسنده است ما کجای کاریم؟» اگر دنبال رمانی هستید که در تمام زندگی محل رجوع شما باشد، من این شاهکار را توصیه می‌کنم.

